علل تحریف ناپذیری

قرآن

شهره صادقی



بسم الله الرحمن الرحیم

علل تحریف ناپذیری قرآن

نویسنده:

شهره صادقی

ناشر چاپی:

Ansariyan

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علل تحریف ناپذیری قرآن

مشخصات کتاب

عنوان : علل تحریف ناپذیری قرآن

پدیدآورندگان : شهره صادقی(پدیدآور)

مقدمه

یکی از مسائل مهم در علوم قرآنی بررسی و رد عقاید باطل پیرامون قرآن است. از جمله این عقاید باطل، مساله تحریف قرآن است. اهمیت این بحث از آنجا ناشی می‌شود که بنابر قول به تحریف، علوم قرآنی متزلزل می‌گردد و حجیت آن از بین می‌رود. علاوه بر این در هیچ مساله ای حتی در خود مساله تحریف، دیگر نمی‌توان به آیات قرآنی تمسک جست. قایلان به تحریف به دو گروه تقسیم می‌شوند: عده‌ای احتمال تحریف را در تمام آیات ممکن می‌دانند ;اگر چه در عدم تحریف بسیاری از آیات قرآنی یقین دارند. دسته دوم فقط در برخی از آیات قایل به تحریف‌اند و در بقیه، احتمال تحریف را نمی‌دهند. آنچه در این نوشتار خواهد آمد نظری اجمالی استبه ادله تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه علما و طبیعی است که استدلال به آیات فقط مختص گروهی خواهد بود که احتمال تحریف در کل قرآن را نمی‌دهند. به همین جهت در آغاز با ادله عقلی، عدم امکان تحریف در کل قرآن بیان خواهد شد و سپس به عنوان دلیل، به آیات و روایاتی که بر عدم امکان تحریف قرآن دلالت دارند، تمسک خواهیم جست و در پایان با بیان یک بحث تاریخی به مساله مزبور اشاره‌ای خواهیم داشت.

ادله عقلی

۱- بدیهی [۱] است کتابی که مرجع اول برای انسانها در تمام ابعاد و شؤون بوده و شریعتبر آن بنا شده، و اسلام در اصول، فروع و در مسائل اعتقادی خود، بر آن مبتنی است، باید از هر گونه احتمال تغییر و تبدیل مبرا باشد ;زیرا با متزلزل شدن آن، کلیه معارف وابسته به آن هم متزلزل می‌گردد ;در نتیجه، دین حجیت خود را از دست می‌دهد و اصولا "پس از قبول خاتمیت پیامبر «صلی الله علیه و آله» و اینکه آیین اسلام آخرین آیین الهی است و رسالت قرآن تا پایان جهان بر قرار خواهد بود، چگونه می‌توان باور کرد که خدا این یگانه سند اسلام و پیامبر خاتم را پاسداری نکند؟ [۲] . سید مرتضی «رحمه الله» اینگونه استدلال می‌کند": علم به صحت نقل قرآن درست مانند علم به شهرها، حادثه‌های بزرگ، وقایع عظیم و کتابهای مشهور است ;افزون بر اینکه انگیزه مسلمانان بر حفظ و حراست و نقل قرآن بیشتر از انگیزه آنان در حفظ حوادث بزرگ و کتابهای مشهور است... ". قرآن معجزه پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله» است. لذا علمای مسلمین حداکثر زحمتخود را در حفظ و حراست آن کشیده‌اند تا آنجا که هر کجا از نظر قرائت اختلاف نظری بوده، در کتابهایشان ضبط و ذکر کرده‌اند. و از آنجا که علم به ابعاض قرآن (آیات و سور) مانند علم به قرآن است، همانطور که در اصل قرآن شکی نیست، در صحت نقل آیات و سوره‌هایش هم شکی نمی‌تواند باشد. بنابر این شما می‌بینید علما در مورد کتاب سیبویه یا مزنی، آنقدر توجه می‌کنند که اگر چیزی به آن کتابها ملحق شده، آن را شناسایی و جدا کنند و بدانند که آن مطلب از اصل کتاب نبوده و ملحق گشته است. حال آنکه توجه همین علما به قرآن خیلی بیشتر از توجه آنان به کتاب سیبویه است. ["۳] . بنابر این محال است علما در مورد کتابهای دیگر توجه و حساسیت به خرج دهند و به قرآن اعتنایی نکنند و بگذارند تحریف آن را فراگیرد. عجیب آن است که عده‌ای سلامت احادیث و حفظ و بقای آن را در محدوده زبانها و

نوشته‌ها در کتابها، در مدت هزار و دویست سال، باور دارند ولی حکم به نقص قرآن می‌دهند! ۲- بنابر قاعده لطف، قرآن باید مصون و محفوظ از هرگونه تحریف باشد ;چرا که با احتمال ورود هرگونه باطل در آن یا هر گونه تغییر و تبدیل، بندگان با تمسک و عمل به آن، به خداوند نزدیک نمی‌شوند و این بالطف بودن قرآن منافات دارد. ۳- غرض خداوند از نزول قرآن هدایت و رساندن انسانها به صراط مستقیم است و در صورت تحریف در قرآن، انسانها به هدایت و غرض نهایی خلقت دسترسی پیدا نمی‌کنند. و این نقض غرض مولای حکیم است. ۴- خداوند امر به باطل و متابعت از باطل نمی‌کند و حکمت او ایجاب می‌کند، مطالب باطل یا غلط بیان ننماید و از آنجا که خداوند امر به تبعیت از قرآن کرده است اگر قایل به تحریف قرآن باشیم بناچار باید قایل به امر کردن خداوند به باطل شویم و این خلاف است. ۵- در صورت قبول مساله تحریف، نسبت دادن تمام آیات به خداوند درست نخواهد بود و قرآن از حجیت خواهد افتاد ;زیرا حجیت قرآن در صورتی است که بتوان آن را به خداوند نسبت داد.

استدلال به آیات

۱- مساله اعجاز قرآن: اعتقاد ما این است که قرآن معجزه جاویدانی است و بشر عاجز از آوردن کلامی به فصاحت و بلاغت آن است. عجز انسان به تحدی در همه جهات است. قرآن نه تنها از جهت فصاحت، بلاغت، نظم و اسلوب کلام معجزه است، بلکه از جهات دیگری چون استدلال و احتجاج (دلیل و حجت آوردن بر مطالب)، تشریع احکام و قوانین، اخلاق، سلامت از تناقض و اختلاف، جنبه تاریخی و خبر دادن از امور آینده و... نیز معجزه است. شیخ محمد جواد بلاغی «رحمه الله» می‌فرماید": فصاحت و بلاغت قرآن، حجت‌بودن قرآن بر ادعای رسالت و اعجاز آن، کافی است. ["۴] ماهیت قرآن، فصاحت، بلاغتش و محتوایش معجزه است و جن و انس از آوردن مثل آن، عاجزند". قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن لایاتون بمثله لوکان بعضهم لبعض ظهیرا. ["۵] این مطلب (تحدی و معارضه با قرآن) را خداوند در مواضعی از قرآن ذکر نموده تا در هر دوره از تاریخ این ندا شنیده شود و عجز بشر در هر زمان ثابت گردد. این تحدی هر ادعای زیادی و تبدیلی را در سور و آیات قرآن، باطل می‌کند زیرا آنچه به قرآن اضافه شده، کلام خدا نیست و کلام تبدیل کننده‌اش خواهد بود و همانگونه که در قبل ذکر شد، اسناد آن به خدا درست نخواهد بود و نتیجه آن می‌شود که قرآن قطعی الصدور نباشد ;حال آنکه این مخالف اجماع است. اخباری که شیخ نوری را بر این گمان واداشته که در قرآن تبدیل صورت گرفته، اخبار ضعیفی هستند. از جهت دیگر ما تمامی آیات را با اوصافی می‌بینیم که قرآن به آن تحدی کرده است‌بدون آنکه آیه‌ای از آن، اوصاف مذکور را از دست داده باشد. هیچ خطبه، رساله و محاوره‌ای نظم، اسلوب، فصاحت و بلاغت قرآن را ندارد. و اگر در آیه" افلا یتدبرون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا ["۶] به اختلاف نداشتن قرآن تحدی شده این خصوصیت در عصر ما نیز هست. اگر با معارف یا اخبار غیبی، اخلاق یا قوانین و احکام و جنبه شرعی‌اش تحدی می‌نماید قرآن عصر ما نیز دارای همین اوصاف است. مرحوم علامه طباطبایی «رحمه الله» معتقدند که هیچ یک از اسامی قرآن در دلالت‌بر آثار و شؤون قرآن مانند اسم" ذکر "نیست. این وصف از جامعترین اوصافی است که قرآن برای خود قایل شده و از آن جهت که ذکر است - از روز نزولش تا آینده نه باطلی در آن رخنه می‌کند و نه نسخ و تغییر و تحریفی خاصیت ذکر بودنش را از بین می‌برد. چنانکه خدای متعال می‌فرماید": ان الذین یلحدون فی آیاتنا لایخفون علینا افمن یلقی فی النار خیرام من یاتی آمنا یوم القیامهٔ اعملوا ما شئتم انه بها تعملون بصیر ان الذین کفروا بذکر لما جاءهم و انه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید. ["۷] . لذا مرحوم علامه «رحمه الله» [۸] این را عمده‌ترین دلیل بر عدم تحریف قرآن می‌دانند و می‌فرمایند: قرآنی که امروز در دست ماست همه آن صفات را که خدای تعالی در قرآن برای کلام خود آورده، واجد است و همانگونه که قرآن زمان نزول قول فصل و رافع اختلاف در هر چیزی هست [۹] قرآن زمان ما نیز هست. اگر آن ذکر، هادی و نور است، این نیز هست. اگر آن معجزه است و کسی نمی‌تواند سوره‌ای مانندش بیاورد، این نیز هست و هر

صفت دیگری که آن دارد، این نیز دارد ;لذا می‌فرمایند: قرآن کریم هر جا باشد و به دست هر کسی و از هر راهی به دست ما رسیده باشد، حجیت و دلیلش با خودش است. قرآن خودش دلیل بر کلام خدا بودنش می‌باشد. ۲- اما از میان مهمترین آیاتی که می‌توان به واسطه آنها بر عدم تحریف قرآن استدلال نمود، به چند نمونه اشاره می‌کنیم: ۱"- انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون" [۱۰] . علامه طباطبایی «رحمه الله» می‌فرمایند: سیاق صدر این آیه سیاق حصر است و حصر در آن ناظر به گفتار مشرکان است که قرآن را هذیان دیوانگی و رسول خدا «صلی الله علیه و آله» را دیوانه نامیده بودند ;همچنین ناظر به پیشنهاد مشرکان است که نزول ملائکه را خواسته بودند تا آن را تصدیق نموده، قرآن را بعنوان کتابی آسمانی و حق بپذیرند. بنابراین معنای آیه" و خدا داناتر است "این می‌شود که تو این ذکر را از ناحیه خودت نیاورده‌ای تا مردم علیه تو قیام کنند و بخواهند آن را بزور و قلدری خود باطل سازند و تو در نگهداری‌اش به زحمت‌بیفتی و سر انجام هم نتوانی آن را نگه‌داری ;همچنین از ناحیه ملائکه نازل نشده تا در نگهداری‌اش محتاج آنان باشی، بلکه ما آن را نازل کرده‌ایم و تدریجا نازل کرده‌ایم و خود نگهدار آن هستیم (و انا له لحافظون) و به عنایت کامل خود آن را با صفت ذکریتش حفظ می‌کنیم. پس آیه شریفه بر مصونیت قرآن از تحریف دلالت می‌کند -. علاوه بر آنکه دلالت دارد بر زنده و جاودانی بودن آن ذکر و محفوظ بودن آن از زوال و فراموشی، و مصون ماندن آن از زیادتی که ذکریتش را باطل کند یا نقصی که این اثرش را از بین برد یا جابجایی آیاتی که دیگر ذکر و مبین حقایق معارف الهی نباشد -. و همانطور که خود خدا تا ابد هست ذکرش نیز هست. لام در" الذکر "لام عهد ذکری است، (یعنی همان ذکری که قبلا "اسمش برده شد در آیه ۶ همین سوره" و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون "که قرینه بر مراد خدای تعالی از کلمه ذکر در آیه حفظ می‌باشد). و مراد از وصف الحافظون حفظ در آینده است. چون اسم فاعل ظهور در آینده دارد. این گفته که اگر قرآن به جهت وصف ذکریتش طبق دلالت این آیه مصون از تحریف مانده، باید بر مصونیت انجیل و تورات نیز دلالت کند - ولی آنها محفوظ نمانده و تحریف شده‌اند پس قرآن هم تحریف پذیر است - به وصف لحافظون و لام عهد در الذکر پاسخ داده می‌شود که ذکریت ذکر، علت حفظ خدایی نیست، بلکه خدا در این آیه تنها وعده حفظ این ذکر را (قرآن) که رسالتش تا پایان جهان برقرار خواهد بود، می‌دهد. خلاصه آنکه این آیه ضمانی است برای رسول خدا «صلی الله علیه و آله» و عهدی است از خدا بر این که قرآن سالم باقی مانده و محفوظ از دستبرد نامحرمان خواهد ماند، تا زمانی که اسلام باقی است. حکمت تکلیف نیز این بقا و سلامت ابدی را اقتضا می‌کند. [۱۱] . نظیر این ضمان در آیات دیگر نیز وارد شده، از جمله آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت که خداوند می‌فرماید": لا تحرک به لسانک لتعجل به - ان علینا جمعه و قرآنه فاذا قراناه فاتبع قرآنه - ثم ان علینا بیانه " - که خداوند حضرت را از شتاب و عجله در حفظ و ضبط آیه نهی می‌فرماید - زیرا پیامبر «صلی الله علیه و آله» به جهت ضبط و حفظ آیه شتاب می‌کردند تا مبادا آیه‌ای فراموششان شود یا ضایع گردد -. و به او اطمینان می‌دهد که خودش آیات را حفظ و صیانت می‌نماید و می‌فرماید": سنقرئک فلاتنسی - الا ما شاءالله انه یعلم الجهر و ما یخفی ["۱۲] . ممکن است گفته شود که استدلال به این آیه صحیح نیست، زیرا ممکن است همین آیه خودش از موارد تحریف باشد، در نتیجه استدلال به آن موجب دور شود ;دور نیز باطل است. در جواب این اشکال باید گفت، این شبهه برای کسی پیش می‌آید که عترت طاهر و مقام ولایت اهل بیت رسول خدا «صلی الله علیه و آله» را نمی‌شناسد ;چرا که این بزرگواران به همین قرآن تمسک می‌جستند و اصحاب را نیز به همین کار امر می‌فرمودند، امری که کشف از حجیت همین قرآن می‌نماید ;علاوه بر آنکه اجماع همه علما و مفسران بر عدم تحریف این آیه، جواب گویایی برای این شبهه است و آنان که به گمان خود دست بر مواضع تحریف قرآن گذاشته‌اند به صحت این آیه و اینکه در آن تبدیل و زیادتی نبوده، اعتراف دارند. آیه دوم ": و انه لکتاب عزیز- لایاتیه من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید. ["۱۳] . این آیه شریفه بر عدم ورود باطل در کتاب و عدم امکان تبدیل آیات دلالت می‌کند و دلالتش واضحتر از آیه اول است ;زیرا همه علما، حتی دشمنان، اعتراف دارند که مطلق تغییر در قرآن، باطل محسوب می‌شود و به همین جهت تحریف از کاملترین و تمامترین

مصادیق باطل است. در نتیجه وقتی امکان ورود باطل در قرآن طبق ظاهر آیه منتفی شد، امکان ورود تحریف در آیه نیز منتفی می‌شود. [۱۴] . با توجه به دو آیه فوق و آیات تحدی که گفته شد، و همچنین آیاتی که اوصاف قرآن در آن وارد شده است، هر گونه احتمال تحریف قرآن منتفی می گردد.

استدلال به اخبار

دلیل اول: در روایات زیادی می‌بینیم قرآن به عنوان یک معیار سنجش قابل اطمینان، به مسلمانان معرفی شده است، مانند روایتی که از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» نقل شده که فرموده‌اند": تکثر لکم الاحادیث بعدی، فاذا روی لکم عنی حدیث فاعرضوه علی کتاب الله فما وافق کتاب الله فاقبلوه و ماخالف فردوه ["۱۵] یا" ان علی کل حق حقیقهٔ، و علی کل صواب نورا، فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه. "شیخ علی بن عبدالعالی در رساله‌ای که در نفی تحریف قرآن نوشته می گوید": اگر حدیثی بر خلاف دلیل قاطع از کتاب و سنت متواتر و اجماع بیاید و تاویل آن حدیث به برخی از وجوه امکان نداشته باشد، واجب است حدیث کنار گذاشته شود [". ۱۶] . مؤلف در کتاب اکذوبهٔ تحریف القرآن از این احادیث دو نتیجه می گیرد: اول اینکه قرآن مقدم بر اخبار است و دوم قرآن میزان در تصحیح اخبار است. و همین امر دلالت بر سلامت قرآن و عدم تحریف آن می کند و الا امر به عرضه اخبار بر قرآن با وجود تحریف یا احتمال آن غیر معقول است. کسانی که با استناد به بعضی روایات، قرآن را تحریف شده می‌دانند، تمسک آنان به این روایات مخالف با عمل به این روایات است ;زیرا از طرفی همانگونه که گفته شد بعضی از آیات بر عدم تحریف قرآن صراحت دارد و از طرف دیگر بنابر مفاد روایت فوق اگر روایتی مخالف ظاهر قرآن باشد، باید آن روایت را کنار گذاشت نه قرآن را ;در نتیجه روایات دال بر تحریف کنار گذاشته می‌شود. دلیل دوم: روایات بسیاری از طریق شیعه و سنی از رسول خدا «صلی الله علیه و آله» نقل شده که فرموده‌اند": فاذا التبست علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن "در هنگام بروز فتنه‌ها و برای حل مشکلات به قرآن مراجعه کنید [۱۷] و این خود دلیل بر عدم تحریف قرآن است. دلیل سوم: روایت ثقلین - که به قول عرب" اشهر من نار علی علم فی تواتره "است - دلالت‌بر سلامت قرآن از تحریف می‌نماید ;زیرا رسول خدا «صلی الله علیه و آله» در این حدیث فرمودند: انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی، اهل بیتی، ما ان تمسکتم بهما، لن تضلوا بعدی ابدا" [۱۸ ;] بدرستی که در میان شما دو چیز گرانقدر باقی می گذارم: کتاب خدا، و عترتم، مادام که به آن دو تمسک جویید هرگز گمراه نخواهید شد. یا آنگونه که امیرالمؤمنین «علیه السلام» می‌فرمایند... ": وعلیک لکتاب الله فانه الحبل المتین و النور المبین و الشفاء النافع و الری الناقع و العصمهٔ للمتمسک و النجاهٔ للمتعلق. ["،... ۱۹] . یا می‌فرماید": واعلمو ان هذا القرآن هو الناصح الذی لا یغش، و الهادی الذی لا یضل، و المحدث الذی لا یکذب، و ما جالس هذا القرآن احد الا قام عنه بزیاده او نقصان، زیادهٔ فی الهدی او نقصان فی العمی، اعلموا انه لیس علی احد بعد القرآن من فاقه، لا لاحد قبل القرآن من غنی، فاتشفوه من ادوائکم، و استعینوه علی لاوائکم فانه فیه شفاء من اکبر الداء و هو الکفر و النفاق و الغی و الضلال. [" ۲۰] . اگر محتمل بود قرآن دستخوش تحریف شود پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله» یا ائمه اطهار «علیهم السلام» با این شدت و تاکید، مردم را به قرآن ارجاع نمی‌دادند. روایاتی از امیرالمؤمنین «علیه السلام» و ائمه اطهار «علیهم السلام» به دست ما رسیده است مبنی بر این که قرآن موجود در دست مردم همان قرآنی است که از ناحیه خدا نازل شده و دعوت آنان به تلاوت، بررسی و عمل به همین قرآن بوده‌است. [۲۱] . آنچه موجب گشته عده‌ای از محدثان شیعه و حشویه و جماعتی از محدثان اهل سنت به تحریف قرآن عقیده داشته باشند، روایاتی است که ظاهر آنها دلالت بر تحریف دارد. این روایات بر چند گونه است: ۱) دسته‌ای از این روایات، اشاره به تحریف معنوی قرآن می کند ;منظور از تحریف معنوی آن است که آیه‌ای خلاف مفهوم واقعی آن تفسیر و معنی شود که گاه از آن به سوء تاویل تعبیر می‌شود ;مثلا "در تفسیر علی بن ابراهیم از" ابوذر "چنین می‌خوانیم: هنگامی که آیه" یوم تبیض وجوه و تسود وجوه "نازل شد پیامبر «صلی الله علیه و

آله» فرمود: روز قیامت از مردم سؤال می‌کنند که با ثقلین (قرآن و عترت پیامبر) چه کردید؟ می‌گویند: اما الاکبر فحرفناه و نبذناه وراء ظهورنا "... ما ثقل اکبر (قرآن) را تحریف کردیم و پشت‌سر انداختیم که منظور از تحریف در اینجا همان دگرگون ساختن معنای قرآن و پشت‌سر انداختن آن است [۲۲;] همچنانکه طبرسی در تفسیر قول خدای تعالی" یحرفون الکلم عن مواضعه" می‌گوید: یعنی تفسیر می‌کنند کلام را بر غیر از آن چیزی که فرستاده شده و صفت نبی را تغییر می‌دهند. [۲۳] (سوء التاویل) همچنانکه امام باقر «علیه السلام» می‌فرمایند": و کان من نبذهم الکتاب ان اقاموا حروفه و حرفوا حدوده فهم یروونه و لا یرعونه"... یعنی ایشان الفاظ و عبارات را حفظ می‌کردند ولی با سوء تاویل آیات را به معنای غیر واقعی تاویل می‌بردند که این همان پشت‌سر انداختن کتاب خداست ;زیرا در واقع به مدلول قرآن عمل نمی‌شود. ۲) بخشی از این روایات بیان مصادیق برای عناوین کلی در آیات بوده است ;مثل روایتی که احمد بن محمد بن ابی‌نصر نقل می‌کند: حضرت رضا «علیه السلام» قرآنی به من داد و فرمود: در آن نگاه کن پس من آن را باز کردم و در آن سوره" لم یکن الذین کفروا "را خواندم و در آن نام هفتاد نفر از قریش را با نام پدرانشان یافتم. مرحوم فیض «رحمه الله» در شرح این روایت گوید: شاید مقصود از ذکر این نامها در مصحف تفسیر برای" الذین کفروا و المشرکین "بوده، نه اینکه جزو آیات قرآن بوده باشد. اخباری از این دسته که اضافات یا تغییراتی در آیات را از ائمه «علیهم السلام» نشان می‌دهد تفسیر وتاویل آیات است که از طریق وحی به آنها رسیده‌است. از همین جا مساله استدلال به روایاتی که جمع آوری قرآن توسط حضرت علی «علیه السلام» و عرضه آن به صحابه و مخالفت و عدم استقبال صحابه و خلفا از آن را نقل می‌کنند، روشن می‌گردد ;چرا که با دقت در همین روایات روشن می‌شود که قرآن نزد علی «علیه السلام» بطور کلی با دیگر قرآنها تفاوت نداشت، بلکه این تفاوت در سه چیز بود: ۱- تنظیم سور بنا بر ترتیب نزول ۲- تابت‌شان نزول آیات - که عده‌ای از انتشار همین نگران بوده و با آن مخالفت ورزیدند -. ۳- جمع آوری تفسیر آیاتی که از پیامبر شنیده بودند و همچنین آیات ناسخ و منسوخ. ۳) دسته‌ای دیگر از این روایات، آنهایی است که قطعا مجعول است و برای بی‌اعتبار ساختن قرآن به دست دشمنان و منحرفان یا افراد نادان ساخته و پرداخته شده است ;مانند روایات متعددی که از احمد بن محمد بن سیاری نقل شده است که عدد این روایات به صد و هشتاد و هشت روایت بالغ می‌شود و مرحوم حاجی نوری در کتاب فصل الخطاب تعداد زیادی از آنها را نقل کرده است. [۲۴] . ۴) برخی دیگر مربوط به اختلاف در قرائت است که با توجه به معنای تحریف لفظی موضوعا از مساله ما خارج است. [۲۵] . برخی افراد با توجه به همین روایات شبهه تحریف قرآن را مطرح نموده‌اند.

چگونگی نزول و جمع آوری قرآن

نزول قرآن تدریجی بوده است. چنانکه خداوند در سوره فرقان، در جواب مشرکانی که درباره همین نزول تدریجی ایراد می‌گرفتند می‌فرماید": وقال الذین کفروا لو لا نزل علیه القرآن جملهٔ واحدهٔ، کذلک لنثبت به فؤادک و رتلناه ترتیلا ["۲۶"] کافران گفتند چرا قرآن یکباره بر او فرود نیامده! ما آن را به تدریج فرو فرستادیم تا بهتر در دلت جای بگیرد ". حضرت رسول «صلی الله علیه و آله» چون امی [۲۷] بودند آنچه را بر ایشان وحی می‌شد به حافظه می‌سپردند و بر اطرافیان می‌خواندند آن حضرت بعد از نزول وحی به نویسندگان وحی دستور می‌دادند که آیه را در چه جای سوره قرار دهند مانند آیه" ان الله یامر بالعدل و الاحسان ["۲۸] که فرمودند جبرئیل این آیه را برایم آورده و فرموده آن را فلان جای سوره نحل قرار دهم. عدد نویسندگان وحی را در زمان نزول آیات قرآن بر پیامبر، از چهارده تا چهل و سه نفر نوشته‌اند. ابوعبدالله زنجانی در کتاب تاریخ القرآن چنین می‌گوید" کان للنبی کتابا یکتبون الوحی و هم ثلاثهٔ و اربعون اشهر هم الخلفاء الاربعهٔ و کان الزمهم للنبی زید بن ثابت و علی بن ابی طالب «علیه السلام "». پیامبر «صلی الله علیه و آله» نویسندگان متعددی داشتند که وحی را یادداشت می‌کردند و آنها چهل و سه نفر بودند که از همه مشهورتر، خلفای چهارگانه نخستین بودند، ولی بیش از همه زید بن ثابت و امیرمؤمنان علی بن ابی طالب ملازم پیامبر در

این زمینه بودند. آنچه در تاریخ به ثبت رسیده آن است که ترتیب آیات از طرف خداوند تعیین شده و رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» به هنگام خواندن آیات بر مسلمانان ترتیبی را که به وسیله فرشته مقرب به او تعلیم داده شده، رعایت فرموده است. علاوه بر آنکه روایات زیادی مشعر برآن است که رسول خدا «صلی الله علیه و آله» سوره بقره یا آل عمران یا غیر آن را تماما در یک نماز خوانده است. و این حاکی از آن است که در زمان پیامبر آیات مرتب بوده و از جمع آنها سوره‌ای تشکیل می‌شده است. روایات زیاد دیگری نیز داریم حاکی از آن که برخی از مسلمانان تمام یا بعض قرآن را از حفظ داشتند. عده حافظان قرآن به اندازه‌ای زیاد بود که در تواریخ می‌خوانیم، در یکی از جنگها که زمان ابوبکر واقع شد چهار صد نفر از قاریان به قتل رسیدند یا در داستان "بئرمعونه "می‌خوانیم که حدود ۷۰ نفر از قاریان به شهادت رسیدند. پس حافظان و قاریان و معلمان قرآن آنقدر زیاد بودند که تنها در یک جنگ این تعداد از آنها به شهادت رسیده‌اند. روایاتی داریم که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» سالی یک بار قرآن را بر جبرئیل می‌خواندند و سال آخر عمرشان، قرآن را دوبار بر جبرئیل خواندند. روایاتی دلالت دارد بر اینکه برخی از صحابه پیغمبر، قرآن را از حفظ نزد پیغمبر «صلی الله علیه و آله» می‌خواندند تا در صورت اشتباه، تصحیح فرمایند. اما اینکه ترتیب آیات قرآن کنونی با ترتیب قرآن رسول خدا «صلی الله علیه و آله» مطابقت دارد یا نه؟ به نظر می‌رسد که در مواردی چنین نباشد، مثلا "۲۳۴ سوره بقره ناسخ آیه ۲۴۰ آن دانسته شده است ؛حال آنکه ناسخ باید بعد از منسوخ باشد. و این حکایت می کند که ترتیب همه آیات با ترتیب رسول خدا «صلی الله علیه و آله»، مطابقت ندارد نظر علامه «رحمه الله» آن است، که اختلافی که در مواضع آیات می‌بینیم همه ناشی از اجتهاد صحابه است. در روایات مربوط به جمع اول قرآن، شواهدی بر این هست که اصحاب، ترتیب رسول خدا «صلی الله علیه و آله» را در همه آیات نمی‌دانستند. ترتیب سوره‌ها که در وضع فعلی تدوین قرآن دیده می‌شود، ترتیبی نیست که در هنگام نزول داشته است، چنانکه مشهور است اولین سوره نازل شده علق و آخرین سوره نصر بوده است. و به گفته قرطبی، زید بن ثابت «جمعه غیر مرتب السور» قرآن را بدون ترتیب سور جمع آوری کرده است. سعی صحابه در جمع قرآن بوده نه در ترتیب آیات یا سوره‌های آن. و در روایات، تواتری درباره یک یک آیه‌ها، که در جهت اثبات مطابقت ترتیب آیات قرآن فعلی با ترتیب رسول خدا «صلی الله علیه و آله» باشد، نداریم. ۲- اختلافی که در مواضع و ترتیب آیات و سور دیده می‌شود، به مساله تحریف ربطی ندارد ؛زیرا تحریفی که از ناحیه جاهلان و معاندان مطرح می‌شود، تحریف لفظی به معنای کم و زیاد کردن آیات قرآن یا تبدیل و تغییر آنها می‌باشد، که این غیر از تغییر ترتیب آیات یا سور است. در روایات زیادی در کتب مختلف از اهل سنت و شیعه، می‌بینیم که مساله کتابت قرآن در زمان رسول خدا «صلی الله علیه و آله»، توسط کاتبان وحی، صورت گرفته، که عدد و اسامی برخی از آنان ذکر شده‌است ؛مانند حضرت علی «علیه السلام» و ابوبکر، عمر، عثمان، ابی بن کعب، زید بن ثابت، معاویه، یزید، پسران ابوسفیان، مغیرهٔ بن شعبه، زبیربن عوام،خالد بن ولید و... که برخی فقط کاتب سورمدنی و برخی که زودتر به اسلام گرویده بودند کاتب سور مکی و نیز مدنی بودند. از میان این کتاب حضرت علی «علیه السلام» که پیش از همه اسلام را قبول کرده و در دامن وحی تربیت یافته و همواره با پیامبر «صلی الله علیه و آله» بود، بیشتر، بهتر و کاملتر از هر کسی در نوشتن قرآن همراهی می کرده است. حضرت علی «علیه السلام» جز سه زمان - به هنگام مهاجرت به مدینه، ماندن در مدینه به امر رسول خدا «صلی الله علیه و آله» در حالی که لشکر اسلام به همراه رسول خدا به جهاد می‌رفت، و رفتن به یمن برای آشنا ساختن مردم یمن با تعالیم اسلامی، همیشه با پیامبر بودند و بیشتر از هر کسی در نوشتن قرآن سهیم و از فراگیری آن بهره‌مند بوده است. حضرت علی «علیه السلام» بعد از وفات رسول خدا «صلی الله علیه و آله»، به وصیت ایشان قرآن نوشته شده بر تکه‌های چوب و پوست و استخوان را در یک مصحف جمع کردند ؛والا ممکن نبوده که قرآن را در سه روز نوشته یا حفظ کرده باشند. شیخ محمد غزالی می گوید: «فلما انتقل الرسول الی الرفیق الا علی کان القرآن کله محفوظا فی الصدور و کان کذلک ثبتا فی السطور». [۲۹] . عقیده شیعه آن است که قرآن در زمان پیامبر، به فرمان ایشان و به وسیله حضرت علی «علیه السلام» گردآوری شده و حضرت علی «علیه السلام» بعد از

رحلت رسول خدا «صلی الله علیه و آله» آن را در مصحف جمع آوری کرد و بر شتری بارکرده به نزد صحابه آورد و فرمود": این قرآن است که من جمع آوری کردم. [۳۰] قرآنی که حضرت جمع آوری نمودند تنها قرآن نبود بلکه مجموعه‌ای از قرآن و تفسیر و شان نزول بوده که دست به دست در نزد اهل بیت گشته و به دست عامه نرسیده‌است. [۳۱] . پس از وفات رسول خدا «صلی الله علیه و آله»، بخاطر شورشهای متعدد خلیفه اول ناچار به جنگ شد که در این جنگها بخصوص در جنگ یمامه، تعداد بسیاری از حافظان و قاریان قرآن کشته شدند ;جمع آوری قرآن را به شکل مصحف پذیرفت لذا خلیفه اول زید بن ثابت را - از نویسندگان وحی و حافظ کل قرآن - مامور جمع‌آوری قرآن کرد. زید بن ثابت از مسلمانان خواست که هرکس آیه و سوره‌ای را از قرآن نوشته به وی تحویل دهد. او نوشته‌های متفرق و پراکنده قرآن را که بر پوست، پاره استخوان، سنگ، چوب و... نوشته شده بود، جمع و با هم تطبیق کرد و سپس در مسجد بر مسلمانان خواند. زید تمام آیات و کلمات قرآن را با تواتر قطعی، پس از جمع آوری بر کاغذ و چرم نوشت و به خلیفه اول داد. به نمونه‌ای از دقتی که در جمع آوری قرآن اعمال شده توجه فرمایید. عمر بن خطاب که خود کاتب وحی بوده است این آیه را چنین می‌خواند «والسابقون الاولون من المهاجرین و الانصار الذین اتبعوهم باحسان» (به رفع کلمه انصار، بدون «واو» بین آن کلمه و «الذین») زید به هنگام جمع آوری قرآن بر او ایراد گرفت که از پیغمبر «صلی الله علیه و آله» شنیده و نوشته است «والذین» و چون بین آن دو اختلاف روی داد به نسخه‌های دیگر مراجعه شد و بخصوص از حافظان قرآن رفع اختلاف خواستند، ابی ابن کعب و دیگران روایت زید را تایید کردند و اختلاف رفع شد. [۳۲] . زید یکبار به امر ابوبکر و بار دیگر به امر عثمان قرآن را نوشت، کتاب دیگر مانند علی بن ابی‌طالب «علیه السلام» و ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود که قرآن دیگری داشتند، چیزی را از قرآنی که در دست مردم بود، انکار نکردند و نگفتند فلان مطلب در قرآن نبوده و داخل قرآن شده، یا فلان نکته از قرآن کم شده است، تنها مخالفتی که با قرآن گردآوری شده به دست ما رسیده نظر ابن مسعود است که درباره معوذتین بوده است وی اعتقاد داشت این دو حرزی برای حسنین «علیهما السلام» بوده و جزئی از قرآن محسوب نمی‌شود، که اصحاب این سخن را رد کردند. به تواتر توسط امامان معصوم «علیهم السلام» تصریح شده که این دو سوره از قرآن است. قرآن کتابی است که در عصر پیامبر جمع آوری شد، مسلمانان سخت به یادگرفتن و حفظ آن اهمیت می‌دادند و همواره در مسجد، خانه، میدان جنگ، و هنگام روبرو شدن با دشمنان بعنوان استدلال بر حقانیت مکتب مورد استفاده قرار می‌گرفت - حتی از تواریخ اسلامی استفاده می‌شود که تعلیم قرآن را مهر زنان قرار می‌دادند و اصولا تنها کتابی بوده که در همه محافل مطرح بوده است - لذا امر تلاوت، قرائت، حفظ و تعلیم و تعلم مخصوص به آن بوده و این یکی از سنتها و عبادتهای بزرگ محسوب می‌شده و می‌شود. قرآن کتابی است که نویسنده و حافظ بسیار داشته و دارد و این همه اخبار و آیات و براهین عقلی بر سلامتش دلالت می‌کند، پس چگونه ممکن است دست تحریف کنندگان به سوی آیین قرآن دراز شود؟

پاورقی

[۱] آیة الله معرفت: صیانة القرآن من التحریف، ص ۳۵.

[۲] تفسیر نمونه، ج ۱۱، ذیل آیه ۹ سوره حجر.

[۳] آیة الله معرفت: همان منبع، ص ۳۶.

[۴] خرازی - سید محسن: بدایة المعارف الالهیة.

[۵] اسراء، ۸۸.

[۶] نساء، ۸۲.

[۷] فصلت، ۴۱ - ۴۲.

[۸] ترجمه تفسیر المیزان، ج۲۳ ذیل آیه ۹ از سوره حجر.

[۹] فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول (" نساء، ۵۶). [

[۱۰] حجر، ۹.

[۱۱] آیهٔ الله معرفت: همان منبع.

[۱۲] اعلی، آیات ۶ – ۷.

[۱۳] فصلت، آیات ۴۱ – ۴۲.

[۱۴] جعفریان رسول: اکذوبهٔ تحریف القرآن.

[۱۵] اکذوبهٔ تحریف القرآن به نقل از اصول الحنیفه، ص ۴۳ ;وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۷۸ ;البیان و التبیین، ج ۲، ص ۲۸.

[۱۶] جعفریان – رسول: همان منبع، ص ۲۰.

[۱۷] به نقل از ترجمه المیزان، ج ۲۳، ص ۱۵۸ ذیل تفسیر آیه ۹ سوره حجر.

[۱۸] صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۲۰۰ ;صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳ ;ابن حجر در صواعق گفته است: حدیث ثقلین را ۳۰ صحابی نقل کرده‌اند از طرق صحیح و حسن.

[۱۹] اکذوبهٔ تحریف القرآن به نقل از ربیع الابرار، ج ۲، ص ۸۰ – ۸۲.

[۲۰] نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶.

[۲۱] مانند آنچه که در خطبه ۱۷۶ گذشت و آنچه در خطبه ۱۳۳ یا ۱۹۸ می‌فرمایند": ثم انزل علیه الکتاب نورا لا تطفا مصابیحه و سراجا لایخبو توقده،... منهاجا لایضل نهجه... و فرقانا لایخمد برهانه."

[۲۲] تفسیر نمونه ج ۱۱، ذیل آیه ۹ حجر.

[۲۳] آیهٔ الله معرفت: همان منبع.

[۲۴] تفسیر نمونه، احصاء شمارش به نقل از کتاب برهان روشن، ج ۱۱.

[۲۵] مثل اختلافی که در قرائت‌یطهرن آمده که یطهرن یا یطهرن خوانده شود اینگونه موارد با توجه به معنای تحریف لفظی از بحث خارج می‌باشد.

[۲۶] فرقان، آیه ۳۲.

[۲۷] آیه ۴۸ سوره عنکبوت دلیلی انکارناپذیر براین مطلب است": و ما کنت تتلوا من قبله من کتاب و لا تخطه بیمینک اذا لارتاب المبطلون."

[۲۸] سوره نحل، ۹۰.

[۲۹] جعفریان – رسول: همان مبنع، ص ۳۲، به نقل از کتاب نظرات فی القرآن، ص ۳۵.

[۳۰] حضرت نفرمودند نوشتم بلکه فرمودند جمع آوری کردم.

[۳۱] اشاره به علت این مساله شد که سیاست خلفا برآن بود که قرآن را از حدیث رسول مجرد نمایند تا آنجا که حتی در زمان خلیفه دوم کتابت و نشر حدیث رسول خدا منع شده است (المصحف، السید مرتضی العسکری).

[۳۲] هیکل محمد حسنین: الصدیق ابوبکر، ص ۳۲۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکَمْ وَ أَنْفُسِکَمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکَمْ خَیْرٌ لَکَمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».